

مطالعه گفتمان دینی قالی های تصویری دوره قاجار موزه فرش ایران^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۴

مریم متفکر آزاد^۲
مهدی محمدزاده^۳

چکیده

قالی ایرانی نمودی از هویت ایرانی-اسلامی بوده که در شکل گیری گفتمان فرهنگ و هنر دینی موثر واقع شده است. گفتمان قالی های تصویری دینی دوره قاجار برگرفته از شرایط اجتماعی، دینی این دوران است. این قالی ها روایتی تصویری از مفاهیم دینی بوده اند که به زبان تصویر با هدف تعلیم و انتقال مفاهیم و آموزه های دینی در میان عموم مردم رواج یافته اند. هدف از این پژوهش، مطالعه نمونه های موجود از قالی های تصویری با موضوعات دینی موزه فرش ایران در جهت شناخت گفتمان دینی رایج در قالی ایرانی است. در این راستا قالی های تصویری دینی موجود در موزه فرش ایران مورد مطالعه قرار گرفته اند. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش بوده که عناصر و مولفه های تصویری تاثیر گذار بر قالی های تصویری دینی به عنوان گفتمان دینی دوران قاجاری کدام موارد هستند؟ نتایج پژوهش حاکی از آن است که، این قالی ها زبان گویا و روایتی تصویری در جهت بیان گفتمان و اندیشه های عرفانی، دینی و هنری مردمان این دوران می باشند. مولفه هایی چون اهمیت مضامین و داستان های قرآنی، تصویری بودن و روایت تصویری، بیان مضامین و مفاهیم دینی به زبان تصویر (ویژگی هنرهای دوران قاجاریه)، تاثیر پذیری از سایر هنرهای این دوران چون نقاشی قهوه خانه ای، کاربرد متنوع مضامین دینی، کاربرد هم زمان عناصر زیبایی شناختی سنتی، نقش مایه های سنتی و تصویری در ساختار این قالی ها دیده می شود. از آن جا که بر جنبه تعلیمی بودن قالی های تصویری قاجاری تاکید شده، این قالی ها همانند داستانی روایی، تصویری از اعتقادات و سلاقی مردمان دوران قاجاریه را ارائه می نمایند. استفاده از ساختار سنتی چون محراب و عناصر نمادین، به همراه تصویر و کاربرد ویژه پیکره های انسانی (با عنوان شمایل ها) جهت تصویر سازی روایت ها و داستان های قرآنی و دینی حایز اهمیت است.

واژه های کلیدی: گفتمان دینی، قالی های تصویری، تعلیمی، قاجاریه، موزه فرش ایران.

1-DOI: 10.22051/JJH.2022.40647.1805

مقدمه

قالی ایرانی تجسمی تصویری از بسترهای فرهنگی و هنری بوده و با گفتمان - که از جمله روش های مطالعات فرهنگی، اجتماعی، دینی بوده - ارتباط تنگاتنگی دارد. این هنر یکی از عناصر مهم گفتمان فرهنگی در جامعه ایرانی - اسلامی بوده است. قالی ایرانی در اشکال و نقش مایه های انتزاعی و تصویری به دلیل پیشینه طولانی خود، که برگرفته از باورها و اعتقادات مردمان این سرزمین بوده، به عنوان یکی از مولفه ها و گفتمان های رایج فرهنگ ایرانی، به ویژه در حوزه موضوعات دینی می تواند مورد مطالعه قرار گیرد. دین به عنوان یکی از باورها و اعتقادات اصلی از نخستین ادوار تاریخی اهمیت داشته؛ بنابراین گفتمان دینی را می توان به عنوان یکی از اصلی ترین مولفه های تاثیرگذار در شکل گیری هنر قالی ایرانی دانست. قالی های تصویری از جمله عناصر گفتمانی رایج در دوران قاجاریه بوده اند که با موضوعات مختلفی از جمله مضامین دینی نقش بسته اند. مطالعه و معرفی نمونه های موجود از قالی هایی با مضامین دینی در موزه های ایران کمک شایانی در جهت شناخت گفتمان دینی قالی ایرانی خواهد نمود. موزه فرش ایران به عنوان گنجینه گران بهایی از قالی های نفیس ایرانی، نمونه های ارزشمندی از قالی های تصویری قاجاری را با مضامین مختلف به ویژه موضوعات دینی در خود جای داده است. مطالعه و شناخت قالی های تصویری ایرانی دوران قاجاریه با شناخت هر چه بیش تر نمونه های موجود از این دوران امکان پذیر می باشد. این پژوهش با انتخاب نمونه های ارزشمندی از قالی های تصویری موجود در موزه فرش ایرانی به مطالعه ویژگی های محتوایی و ساختاری این قالی ها و گفتمان حاکم بر قالی های تصویری دینی دوران قاجاریه پرداخته است.

بنای موزه فرش ایران که با الهام از نمادهای قالی ایرانی ساخته شده، در بردارنده نمونه های ارزشمند قالی های ایرانی بوده است. موزه فرش ایران کار خود را با ارایه ۲۷۵ تخته قالی نفیس و گلیم آغاز نمود. این مجموعه از طریق خرید از بازارهای بین المللی و داخلی و هم چنین، گردآوری آن ها از موزه ها و کاخ موزه گلستان شکل گرفته است. این مجموعه با

ارزش ترین نمونه های قالی ایران از سده دهم هجری قمری تا دوره معاصر را در برداشته که از منابع غنی مطالعاتی و تحقیقی به شمار می رود.

هدف از این پژوهش مطالعه گفتمان دینی و شناخت عناصر و مولفه های هنری، تصویری و مفاهیم مرتبط با آن ها در قالی های تصویری دینی موزه قاجاری است. در این راستا، پاسخ به این پرسش اساسی که، عناصر و مولفه های تصویری موجود و تاثیرگذار بر قالی های تصویری دینی به عنوان گفتمان دینی دوران قاجاریه کدام موارد هستند؟ ضروری می نماید.

روش پژوهش

مقاله حاضر به شیوه توصیفی، تحلیلی و به روش کتابخانه ای و اسنادی به مطالعه و معرفی نمونه های تصویری قالی های موزه فرش ایران با موضوعات دینی پرداخته و در این راستا، مفهوم گفتمان دینی قالی ایرانی را مورد مطالعه قرار داده است. از نمونه های متعدد ارزشمند موجود در این موزه پنج نمونه بر اساس کیفیت تصویر و تنوع نقش مایه های تصویری مورد مطالعه قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

مطالعه پیرامون قالی ایرانی و گفتمان های رایج، پشتوانه فکری و عوامل تاثیرگذار بر روند تولید قالی ایرانی در ادوار مختلف همواره راهگشای ارتقای سطح تولیدات این محصول هنری بوده است. در راستای مطالعه در نظریه های گفتمان کلانتری و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله «تحلیل گفتمان: با تاکید بر گفتمان انتقادی به عنوان روش تحقیق کیفی» نام برد. در این مقاله به ارائه تعریفی از تحلیل گفتمان به عنوان رویکردی میان رشته ای پرداخته شده و آن را بخشی از روش های تحقیق کیفی دانسته اند و نهایتاً به تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته شده است. مریدی و تقی زادگان (۱۳۹۱)، در مقاله «گفتمان های هنر ملی در ایران» با به کارگیری روش تحلیلی لاکلا و موفه، به مطالعه چگونگی تاثیر فرآیند فرود سیاست های فرهنگی نظام های قدرت بر مفهوم هنر ملی و تولیدات هنری در ایران پرداخته اند. خواجه احمد عطاری و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله «گفتمان باغ در فرش های

صفوی» با استفاده از نظریه گفتمان میشل فوکو، به مطالعه مفهوم باغ در جایگاه معرفت‌شناختی پرداخته‌اند. در این پژوهش از مفهوم باغ به‌عنوان گفتمان معرفت‌شناختی در فرش دوره صفوی نام برده شده است. شایسته‌فرو صباغ‌پور (۱۳۹۰)، در مقاله «بررسی قالی‌های تصویری دوره قاجار (موجود در موزه فرش ایران)» به مطالعه قالی‌های تصویری دوره قاجار موجود در موزه فرش ایران پرداخته‌اند و ضمن بررسی عوامل زمینه‌ساز و موثر بر روند تصویرگری در قالی‌های دوره قاجار، قالی‌های تصویری موزه فرش ایران را براساس مضامین و موضوع معرفی کرده‌اند. لاری (۲۰۱۱)، در مقاله «تصاویر فرشتگان در هنر ایران» به بررسی تصاویر فرشتگان در نقاشی‌های ایرانی می‌پردازد. مفهوم فرشته به‌طور خلاصه در چهار دسته بررسی شده است و درصدد بررسی پیوند بین تصاویر فرشتگان و مهم‌ترین تمدن در دوره قاجار در ایران است. با توجه به مطالعات در این زمینه، هر یک از پژوهش‌های انجام یافته از ابعاد کلی به بحث گفتمان و قالی‌های تصویری پرداخته‌اند. در این پژوهش، به صورت اجمالی، دقیق و مبسوط موضوع قالی‌های تصویری دینی مورد مطالعه قرار گرفته است. وجه اشتراک این پژوهش با سایر پژوهش‌ها پرداختن به مساله گفتمان در هنرهای سنتی و همچنین، مطالعه و شناخت قالی‌های تصویری بوده است. در زمینه نوآوری مفاهیم در این پژوهش، با شناخت و مطالعه محتوایی و ساختاری نمونه قالی‌های تصویری، به شناخت مضامین قالی ایرانی برگرفته از گفتمان دینی جامعه ایرانی رسیده است. همچنین، این قالی‌ها را می‌توان نمودی از تحول ساختاری قالی‌های دوره قاجار به دانست که مطالعه آن‌ها به‌عنوان گفتمان فرهنگی، هنری بر تحولات قالی‌های معاصر تاثیرگذار خواهد بود. این پژوهش از لحاظ جامعیت موضوع و مطالعه تخصصی نمونه‌هایی از قالی‌های تصویری ایرانی حایز اهمیت است. امید است با انجام پژوهش‌های بیش‌تری در زمینه قالی ایرانی بتوان هنر و به‌ویژه، قالی ایرانی را به‌عنوان یکی از گفتمان‌های مسلط بر فرهنگ و هنر ایرانی بر همگان معرفی نمود.

گفتمان قالی ایرانی

مطالعه و تحلیل گفتمان قالی ادوار مختلف در شناخت بیش‌تر تحولات رخ داده در زمینه قالی ایرانی موثر خواهد بود. هدف از تحلیل گفتمان، به‌عنوان یکی از روش‌های مطالعاتی ارائه فن و روش جدیدی در مطالعه متون، رسانه‌ها، فرهنگ‌ها، علوم، سیاست، اجتماع و... بوده است. گفتمان با مفاهیم گوناگون و متفاوتی با توجه به بافت علمی مورد استفاده، به نقش معنادار اعمال و اندیشه‌ها در زندگی جوامع توجه دارد. با مطالعه و ارزیابی گفتمان‌ها می‌توان به فهم و درک انسان از نقش ویژه خود در مقاطع تاریخی و جوه مختلف اجتماعی (فرهنگی، سیاسی و هنری) دست یافت (خواجه احمد عطاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۶). قالی ایرانی به‌عنوان یکی از گفتمان‌های رایج ایرانی-اسلامی و هویتی فرهنگی، روایتی تعلیمی از مفاهیم رایج در ادوار مختلف از جمله دوران قاجاریه است. این هنر ملی را می‌توان يك محصول گفتمانی دانست که ماهیت گفتمانی دارد؛ زیرا گفتمان، پیکره نظام مندی است که مفاهیم، واژگان و نیروهای اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد (مریدی و تقی‌زادگان، ۱۳۹۱: ۱۴۳). اهمیت شرایط اجتماعی، فرهنگی در گفتمان قالی‌های تصویری بیش‌تر مشاهده می‌شود؛ چراکه این قالی‌ها باز نمود تصویری و روایی متناسب از شرایط پیرامونی تاثیرگذار بر تولید آثار هنری دوران قاجاریه بوده‌اند.

دوران قاجاریه از جمله مهم‌ترین ادوار تاریخی با شرایط اجتماعی، فرهنگی و هنری خاصی بوده که تاثیرات این شرایط ویژه بر قالی‌های قاجاری به‌وضوح دیده می‌شود. آن‌چه که در قالی‌های دوران قاجاریه به‌عنوان گفتمان این دوران منعکس شده است، تنوع و گستردگی نقش‌مایه‌های قالی بوده که حکایت از ماهیت فرهنگی و دینی جامعه قاجاری دارند.

شناخت گفتمان قالی‌های قاجاری با مطالعه و بررسی انواع ساختارها و نقش‌مایه‌ها میسر است. با وجود تنوع نقش‌مایه‌های قالی ایرانی می‌توان به نقوش انتزاعی نمادین و نقش‌مایه‌های تصویری-نمادین اشاره نمود. در این میان، قالی‌های تصویری به‌عنوان نمونه‌ای از قالی‌های ایرانی با نقش‌مایه‌های تصویری و طبیعت‌گرایانه بوده است. این قالی‌ها زبان گویا و

روایتی تصویری در جهت بیان گفتمان و اندیشه‌های عرفانی، دینی و هنری می‌باشند. رواج قالی‌های تصویری را می‌توان به دوران قاجاری نسبت داد؛ چراکه در این دوران به دلیل اوضاع اجتماعی و عمومی شدن هنرها، امکان بیان اعتقادات و باورهای مردمان در قالب هنر بیش‌تر موثر شد. قالی‌بافی نیز به‌عنوان یکی از مردمی‌ترین و همگانی‌ترین ابزار در دست مردمان قاجاری هر چه بیش‌تر به موضوعات مورد علاقه جامعه آن دوران پرداخته است. از جمله موضوعات رایج این قالی‌ها موضوعات تصویری دینی می‌باشد. قالی‌های تصویری دینی به‌عنوان یکی از اسناد مهم هنری-تاریخی در جهت شناخت گفتمان دینی رایج دوران قاجاریه مدنظر می‌باشند.

قالی‌های تصویری دوران قاجاریه

تصویری شدن هنرها از جمله یکی از مهم‌ترین تحولات هم‌زمان با رواج ابزارهای متنوع در دوران قاجاریه بود که در اغلب گونه‌های هنری به‌ویژه قالی‌بافی دیده شده است. در این دوران شیوه جدیدی در قالی ایرانی رخ نمود که هم به لحاظ شکل و ساختار و هم به لحاظ مفهوم، تحولی در آن ایجاد نمود؛ این قالی‌ها تحت عنوان «قالی‌های تصویری» با تنوع مضامین و نقش‌مایه‌ها می‌باشند.

ساختار قالی‌های تصویری، که رواج آن‌ها را به قرن‌های ۱۳-۱۴ ه.ق. نسبت می‌دهند، متشکل از تصویر است. این تصاویر به صورت تلفیقی از نقش‌مایه‌های اسلیمی و ختایی و یا به صورت تمام تصویر است. چراکه در این دوره، ساختار سنتی قالی‌های صفوی به همراه تنوع و ظهور نقش‌مایه‌های جدید - که مهم‌تر از همه طرح‌های تصویری و قاب‌قابی بوده است - دیده می‌شود (حاجی‌زاده، خواجه‌احمد عطاری و عظیمی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۵۸). به دلیل ساختار زیبایی‌شناختی تصویری، این قالی‌ها بیش‌تر جنبه تزئینی و مفهومی داشته و نمود تصویری و گفتمانی از مفاهیم و مضامین رایج در آن دوران بوده‌اند. قالی و قالیچه‌های تصویری و روایی قاجاری با روایتی تصویری به زبان واقع‌گرا و هم‌چنین، نمادین از تاریخ ایران و مناطق مختلف با مضمونی حماسی، مذهبی، عرفانی و عاشقانه

ایجاد شدند (چیت‌سازیان و آیت‌اللهی، ۱۳۸۴: ۲۸). در ساختار زیبایی‌شناختی این قالی‌ها تأثیرات زمینه‌های هنری رایج دوران قاجاریه چون چاپ‌سنگی، عکاسی و نقاشی قهوه‌خانه‌ای - در ویژگی‌هایی چون روایت‌گری و وابستگی آن به حوزه موضوعات ادبی و دینی، صراحت، سادگی و عناصر قراردادی و... مشهود است. علاوه بر اهمیت ساختاری قالی‌های تصویری، مطالعه این قالی‌ها به‌عنوان یکی از گفتمان‌های برگرفته از شرایط اجتماعی و دینی حاکم بر دوران قاجاری حایز اهمیت است. در دوران قاجاریه در زمینه هنرهای صناعی، قالی‌بافی از اهمیت و ارزشی در خور برخوردار شد و فراتر از مرزهای ایران رفت (اسکارچیا، ۱۳۹۰: ۵۵).

این هنر به‌عنوان ابزاری تعلیمی و روایی در جهت انتقال مفاهیم کاربرد داشته است. عمومیت یافتن و مردمی بودن هنرهای قاجاری موجب گردیده، قالی هم‌چون آیینی تمام‌نمای جامعه قاجاری و به‌عنوان ابزاری تعلیمی در راستای اعتقادات دینی مردمان آن دوران باشد. بنابراین، با کمک تصویر و انتقال آن به قالی به‌عنوان گفتمان رایج آن عصر، به‌بهترین نحو شرایط اجتماعی و دینی آن دوران را نشان داده‌اند. در این راستا، تغییرات شگرفی که در هنر ایرانی رخ نمود، موجب گردید که هنر این دوران به یک سلیقه تصویرگرا «سلیقه هنری» تغییر یابد و از سوی دیگر، در دوران قاجاریه جنبشی جدید در هنر ایران شکل گرفت که گرایش بسیار به سوی یک هنر تصویری داشت (کشاورز افشار، ۱۳۹۴: ۵).

ویژگی‌هایی چون تکثیر تصاویر به دلیل رواج ابزار جدیدی چون چاپ‌سنگی و عکاسی که به‌واسطه ارتباط با غرب وارد ایران شدند - و سلیقه متنوع مردم به نوبه خود به تصویری شدن هنرهای دوران قاجاریه کمک نموده و امکان تولید و باز تولید انبوه آثار هنری را فراهم ساخت. از سویی نیز جامعه دینی دوران قاجاریه و اعتقادات مذهبی مردم بر هنرهای کاربردی چون قالی تأثیر داشته که از جمله نمود آن‌ها رواج قالی‌های تصویری با مضامین دینی به‌عنوان گفتمان دینی حاکم بر هنرهای دوران قاجاریه است. از آن جا که هنر دینی را می‌توان همانند متون دینی ابزاری جهت کسب معرفت دینی دانست، به قول آناندا

کومارا سوامی «اثر هنری یک تذکار می‌شود و زیبایی آن دعوت به درک چیزی است فراتر از لذت صرف» (افروغ و براتی، ۱۳۹۲: ۱۳۳). لذا، قالی‌های تصویری به‌عنوان اثری دینی منعکس‌کننده اعتقادات جامعه قاجاری با تنوع موضوعاتی چون داستان‌هایی از قرآن کریم و زندگی پیامبران و... رخ نموده است. بنابراین، روند تغییر سلايق جامعه قاجار نشان از تغییرات عمده بر گفتمان‌های حاکم بر جامعه ایرانی و به طبع آن هنرهای ایرانی داشته‌که در این میان قالی‌های تصویری نمود هنری جامعه تغییر و تحول یافته قاجاری می‌باشند. براساس اصطلاحی که پرویز تناولی در هنر ایران از قالی‌های تصویری با عنوان جنبش تصویرگرایی نام می‌برد، این نوع از قالی‌ها را به‌عنوان گفتمان غالب قالی ایرانی می‌توان دانست؛ چراکه از جمله علل رواج این نوع از قالی‌های تصویری، گسترش هنرها به‌ویژه قالی‌بافی در میان عامه مردم و انتقال سلايق دینی آن‌ها از طریق این قالی‌ها بوده است.

در قالی‌های تصویری موضوعات ادبی، حماسی، عاشقانه، شاهانه و مهم‌تر از همه مضامین دینی که متن مقدس قرآن کریم و داستان‌های قرآنی، داستان‌هایی از ادبیات کلاسیک و اشعار ایران را بازگو می‌کنند، به زبان تصویری و نمادین بیان شده است. به نحوی که «این قالیچه‌های تصویری به‌عنوان ابزار مهمی بوده‌اند که دیگر برای فروش کردن زمین پدید نمی‌آمدند، بلکه هدف از آن‌ها استفاده دیداری بود؛ درست همانند یک تصویر، این تصاویر قاموسی هستند از فرهنگ دوران، کاملاً تنیده در زندگی، فرهنگ و اعتقادات مردمان جامعه، که برای فهم عمیق‌تر فرهنگ و جهان بینی آن‌ها به‌کار می‌آیند» (کشاورز افشار و سامانیان، ۱۳۸۶: ۹۱).

قالی‌های تصویری با موضوعات دینی

قالی‌های تصویری دینی، روایتی تصویری از داستان‌های قرآنی و مضامینی بوده که در روایات و منابع دینی به آن‌ها اشاره شده است. از آن جمله می‌توان به داستان آدم و حوا، داوری حضرت سلیمان، قربانی کردن اسماعیل توسط ابراهیم (ع) و تصاویری از حضرت موسی و عیسی (ع) اشاره نمود. مطالعه گفتمان دینی در قالی‌های تصویری حکایت

از ارتباط بین هنر و دین در تاریخ هنر ایرانی-اسلامی دارد. بر این اساس «دین» با استفاده از هنر به تبیین جنبه‌های معنوی و غیر قابل بیان خویش پرداخته است و هنر نیز در این راستا با ارتزاق از مبانی و مفاهیم معنوی دین رشد نموده است (نقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۷). به عبارتی، هنر با کارکرد تعلیمی، ارزش‌ها و بنیان‌های اصلی زندگی بشر را با استفاده از عناصر نمادین و سمبلیک با زبان تصویری یادآوری می‌نماید. به دلیل گستردگی مفاهیم دینی و ارتباط بین هنر و دین جهت رواج مفاهیم دینی در جامعه قاجاری و از سویی دیگر، رواج تصویرگری در هنرها، شاهد شکل‌گیری و رواج هنر دینی تصویری هستیم. در این میان، قالی‌های تصویری هم‌چون گفتمانی دینی با استفاده از تصویر و نمادها به‌عنوان ابزاری تعلیمی کاربرد دارند. در این قالی‌ها علاوه بر اهمیت عنصر تصویر، وجود عناصر نمادین نیز حایز اهمیت بوده؛ چراکه نمادها حقایق موجود در طبیعت پدیده‌ها بوده‌اند که هم تعالی الهی و هم حضور همیشگی خداوند را به‌عنوان ابزار انتقال حقایق الهی نمایان می‌سازند. در واقع نمادها، مکان مواجه شدن عالم الگوهای ازلی یا معقول با عالم پدیده‌های محسوس هستند که به‌عنوان عالم مثال (نشانه‌ها) شناخته شده‌اند (معمارزاده، ۱۳۸۶: ۹۳).

قالی‌های تصویری نمودی از هنر دینی بوده که مضامین خویش را از دین گرفته، لکن با زبان تصویر به اصول و مبانی دینی اشاره دارند. از سویی نیز این قالی‌ها به‌عنوان گفتمان جامعه قاجاری مطرح بوده که با کارکرد تعلیمی، ابزار و بستری برای نمایش و تجلی هرگونه ارزش و هویت اجتماعی و دینی بوده‌اند. از جمله ویژگی‌های مشترک بین ادیان و هنر، که موجب شکل‌گیری قالی‌های تصویری دینی شده است، کارکرد و جنبه تعلیمی آن‌ها بوده است. قالی‌های تصویری دینی با کارکرد تعلیمی، اجتماعی و ابعاد مردمی خود هر چه بیش‌تر با استفاده از تصاویر و نمادها به انتقال مفاهیم تعلیمی ادیان کمک نموده‌اند. از آن‌جا که در قالی‌های تصویری، کارکرد تعلیمی به زبان تصویر و نمادها بیان می‌شود، همه فهم‌تر و عموم‌پسندتر بوده، در واقع، استفاده بهینه از تصویر در جهت تعلیم اعتقادات دینی برای فهم مخاطبان بیش‌تر از جمله اهداف تعلیمی این قالی‌ها است.



تصویر ۱- قالی تصویری، اواسط قرن ۱۴هـ.ق.، نام پنج تن جنس، تار و بود: نخ، پرز، پشم، رج شمار: ۵۰، گره متقارن، ۱۳۹۸، آرشیو اختصاصی موزه فرش (URL1).

ملازمان، دیوان، فرشته، جن، پرندگان و حیوانات دیده می‌شود. این قالی همانند تابلو نگارگری، موضوعی دینی را با استفاده از عناصر تصویری و نمادین بیان می‌نماید. از عناصر طبیعت‌گرا چون پیکره‌های انسانی و حیوانات در متن و حاشیه قالی استفاده شده که ارتباط بین آن‌ها با ترکیب عناصر و پراکندگی رنگی مناسب دیده می‌شود.

مطالعه ساختاری: ساختار قالی متشکل از عناصر تصویری و پیکره‌های انسانی در حالت‌های مختلف بوده که در ترکیب با عناصری چون فرشته بال‌دار که جزو عناصر نمادین در بیش‌تر آثار دینی بوده به‌کار رفته‌اند. در این قالی همانند ساختار قالی‌های تصویری، عناصر تصویری در متن و حاشیه دیده می‌شوند. «... هر چند که در این‌گونه فرش‌ها، تصویر غالباً در متن ظاهر می‌شود و بیش‌ترین تأثیر را بر متن فرش‌ها بر جای نهاد، اما در عین حال حاشیه و جایگاه آن نیز دستخوش تغییر و تحولاتی گردید» (رشادی و مراثی، ۱۳۹۰: ۵۷). نوع ترکیب و تنوع حیوانات مختلف به صورت طبیعت‌گرا در ساختار متن و مکان قرارگیری‌شان در متن و حاشیه قالی موجب چرخش

قالی شماره ۱

مطالعه محتوایی: در این قالی با استفاده از کاربرد هنر خوش‌نویسی و به صورت کتابت به بیان مضمون دینی و شیعی پرداخته شده است. اسامی متبرک پنج تن آل عبا حضرت محمد، حضرت علی، حضرت امام حسن، حضرت امام حسین و حضرت فاطمه زهرا (ع) در متنی مملو از گل‌های تزئینی طبیعت‌گرا قرار گرفته‌اند. اعتقاد به مذهب تشیع که از دوران صفویه به صورت رسمی در ایران گسترش یافت، در دوران قاجاریه و هنرهای مردمی آن‌ها نمود داشته است.

از جمله مفاهیم مذهب تشیع بیان اسامی متبرک امامان معصوم (ع) در هنرها به صورت کتابت و تصویر است. خوش‌نویسی (کتابت) از جمله هنرهای سنتی ایرانی اسلامی بوده که در ادوار مختلف در نسخ خطی در ترکیب با سایر هنرها از جمله نگارگری و تصویرسازی نمود یافته است. در واقع، ویژگی بارز این قالی نسبت به سایر قالی‌های مورد مطالعه، ساختار متن آن بوده که کتابت یافته با خوش‌نویسی اسامی متبرک پنج تن آل عبا بر زمینه طبیعت‌گرا است. در حاشیه‌ها نیز از گره هندسی استفاده شده است.

مطالعه ساختاری: ساختار قالی از عناصر خوش‌نویسی اسلامی به همراه نقش‌مایه‌های طبیعت‌گرا چون تنوع گل‌ها شکل گرفته است. قرارگیری متن کتابت شده در مرکز قالی و نگارش آن‌ها به صورت تصویری و تزئینی موجب ایجاد زیبایی بصری، توازن و تناسب در ترکیب خطوط و اسامی متبرک شده است.

قالی شماره ۲

مطالعه محتوایی: مضمون این قالی تصویری قاجاری، روایتی تصویری از داستان داوری حضرت سلیمان میان دو مادر است که هر کدام ادعای مادری طفلی را داشته‌اند، به زبان تصویر نمود یافته است. در بالا و مرکز تصویر، حضرت سلیمان در کنار ملکه سبا بر فراز تخت نشسته است. در حاشیه قالی، صحنه‌هایی از مراسم قربانی حضرت ابراهیم با چینش پیکره‌ها در جهت‌های مختلف به تصویر کشیده شده است. پیکره (شمال) حضرت سلیمان بر فراز تخت به همراه

دید بیننده در تمامی بخش‌های قالی گردیده است. تمامی عناصر و نقش‌مایه‌ها در ترکیبی حلزونی شکل ساختار قالی را شکل داده‌اند؛ چراکه موجب گردیده توجه بیننده به موضوع اصلی در مرکز و قسمت بالای تصویر جلب گردد.



تصویر ۲- قالی تصویری: قضاوت حضرت سلیمان، کاشان، گره نامتقارن، قرن ۱۴ ه. ق. ۱۰۰ تار و پود: نخ، پرز: پشم، رج‌شمار: ۵۰، رج دو بود کتیبه‌دار، ۱۳۹۸، آرشیو اختصاصی موزه فرش (URL1).

قالی شماره ۳

مطالعه محتوایی: در این نمونه قالی موضوع قربانی کردن حضرت اسماعیل به تصویر کشیده شده است. مضمون متن قالی شامل ترکیبی از سه پیکره، یکی از آن‌ها فرشته جبرائیل است. پس از بازسازی کعبه توسط حضرت ابراهیم به کمک اسماعیل، جبرئیل تمام مراسم حج را به او آموخت و هنگامی که ابراهیم تصمیم گرفت اسماعیل را به خاطر اطاعت از فرمان خدا قربانی کند، جبرائیل گوسفندی به او تقدیم کرد تا به جای اسماعیل قربانی شود (Lari, 2011: 249). این مضمون دینی قرآنی به صورت تصویری در قالی روایت شده؛ چراکه تعلیم مفاهیم دینی و روایت آن‌ها به صورت تصویری از جمله ویژگی‌های هنرهای

دوران قاجاریه بوده است. پیکره‌های (شمایل‌های) موجود در این قالی بیان‌گر ارتباط بین هنر قالی‌بافی دوران قاجاریه با سایر هنرها چون نقاشی قهوه‌خانه‌ای دارد؛ چراکه با شکل‌گیری هنر «شمایل‌نگاری» در دوران قاجاریه موجب به وجود آمدن مجموعه‌ای از تصاویر شمایی منحصراً به فرد در هنرهای مختلف مانند نقاشی قهوه‌خانه‌ای، پرده‌های درویشی، نقاشی پشت شیشه و قالیچه‌های تصویری شد. پیشینه شمایل‌نگاری را می‌توان رواج کتب مذهبی مصور چون قصص الانبیاء و... در بین عموم مردم به شیوه چاپ‌سنگی دانست. از سویی نیز به تصویر کشیدن پیکره‌های انسانی و شمایل‌های دینی با رونق نقاشی قهوه‌خانه‌ای - که نماد بارز انتقال گفتمان حاکم بر جامعه ایرانی دوران قاجار است - گسترش یافت؛ در این راستا، مفاهیم دینی با زبان نقاشی قهوه‌خانه‌ای که از جمله بیان عمومی مردمان این دوران بوده، انتقال یافته است. قالی‌های تصویری نیز با توجه به اهداف «تعلیمی» و «یادمانی» که در شمایل‌های مقدس جلوه نموده، به دلیل رواج آن‌ها در میان اقشار مردم و هم‌چنین، ویژگی رسانه‌ای قالی، بهترین نمونه هنر دینی و شمایی محسوب می‌شوند. این قالی با به تصویر کشیدن مضمون اطاعت‌پذیری حضرت ابراهیم از درگاه حق تعالی، نمودی تعلیمی از مفاهیم دینی به زبان روایت تصویری است. از جمله ویژگی‌های این قالی تصویری استفاده هماهنگ از عناصر نمادین و تصویری چون استفاده از پیکره انسانی به همراه هاله نور و بال فرشته در پیکره‌ها (شمایل‌ها) است. با استفاده از هاله دور سر به عنوان عنصر نمادین تقدس الهی، به بیان روایت قرآنی ذبح حضرت اسماعیل و در معرض امتحان قرار گرفتن حضرت ابراهیم پرداخته است. در حاشیه قالی نیز با زبان شعر این واقعه توصیف شده است.

مطالعه ساختاری: در ساختار این قالی از سه پیکره انسانی (شمایی) در ابعاد مختلف با توجه با مقام معنوی آن‌ها استفاده شده است. از جمله ویژگی‌های تصویرپردازی دوران قاجار استفاده از پرسپکتیو مقامی بوده که در این ترکیب‌بندی حضرت ابراهیم به دلیل برخوردار از جایگاه معنوی، بزرگ‌تر از سایر پیکره‌ها نمایش داده شده است. از دیگر ویژگی‌های

این اثر، استفاده از رنگ بندی رایج این دوران که شامل استفاده از تنالیت‌های رنگی قرمز و سبز بوده است. حاشیه قالی با استفاده از کتیبه‌ها به بخش‌های متناسب تقسیم شده و موجب ایجاد توازن و تناسب در کل قالی شده است.



تصویر ۳- قالی تصویری: بافت کاشان، اندازه ۶۳*۸۳، اوایل قرن ۱۴ ه. ق.، گره نامنقارن، رج شمار: ۵۰، تار و پود: نخ پنبه، پرز: پشم، ۱۳۹۸، آرشیو اختصاصی موزه فرش (URL1).

قالی شماره ۴

مطالعه محتوایی: مضمون متن این قالی تصویری روایتی از حضرت عیسی و حواریون است که در چارچوبی محرابی شکل، به عنوان نقش مایه‌های دینی و در ارتباط با ابعاد معنوی حضرت عیسی و حضور ایشان در مکانی مقدس است.

نوع قرارگیری پیکره‌ها و مکان قرارگیری آن‌ها در فضایی محراب‌گونه حکایت از ابعاد معنوی و فضایی روحانی در متن قالی دارد. کارکرد تعلیمی قالی‌های تصویری دینی دوران قاجاریه را می‌توان در این نمونه با روایت تصویری مشاهده نمود که برای نمایش موضوع دینی از عناصر تصویری به همراه نمادهایی چون هاله نور جهت قداست و نقش مایه‌های سنتی بهره برده شده است. محراب با کارکرد نمادین و

تعلیمی در بردارنده مفهوم نمادین بوده، «از دیدگاه عرفانی محراب برگرفته از ریشه حرب به مفهوم محل جنگ است، جنگ با شیطان نفس. آن‌ها هم چنین معتقدند که جهان خود یک محراب است؛ چرا که همه موجودات به نوعی در حال تسبیح و تنزیه پروردگار و مشغول مبارزه با شیطان هستند» (معمارزاده، ۱۳۸۶: ۲۱۸). در این قالی محراب بیان نمادین و تصویری مکانی مقدس بوده که فردی دینی چون حضرت عیسی در آن حضور دارد. استفاده از نقش مایه قندیل به تنهایی و یا در ترکیب با ستون به عنوان عناصر نمادین مکمل در طرح‌های محرابی، به عنوان نمادی از نور (نور الهی) تقدس این موضوع را بیش تر نموده است. کاربرد این نقش حکایت از اهمیت مفهوم آن به عنوان مظهر نور و روشنایی در دیدگاه دینی داشته و کاربرد آن در قالی‌های محرابی دینی به عنوان گفتمانی دینی و دروازه ورود به بهشت ازلی - که جایگاه نور ابدی می‌باشد - اهمیت دارد.

مطالعه ساختاری: در این نمونه قالی استفاده از پیکره‌های انسانی (شمایل‌های مقدس) در کنار عناصر نمادین و سنتی دینی مرتبط با آن‌ها اهمیت به‌سزایی دارد. ساختار قالی متشکل از محراب و عناصر رایج در ترکیب طرح‌های محرابی شامل: محراب لچکی به همراه ستون بندی با کاربرد قندیل مرکزی و گلدان، ستون، قندیل به عنوان یادمانی از قالی‌های محرابی در ترکیب با پیکره انسانی در متن که با چندین حاشیه مکرر بزرگ و کوچک احاطه شده‌اند. استفاده از ساختار سنتی با کاربرد پیکره‌های انسانی و واقع‌گرا در مرکز تصویر موجب ایجاد ترکیبی متوازن و متناسب با ویژگی‌های هنری دوران قاجاریه شده است.

استفاده از پیکره‌ها و شمایل دینی در مرکز محراب و نزدیک به نقش مایه قندیل، به عنوان نمادی از نور، نمودی از قداست این افراد است. در این میان زیبایی محراب با نقش مایه‌های تجریدی چون گل‌های ختایی کامل تر شده است. استفاده از عناصر اسلیمی در حاشیه‌ها، هم‌چنین، عناصر و نقش مایه‌های ختایی در لچکی محراب جنبه زیبایی‌شناختی قالی تصویری را بیش تر نمایان ساخته است.

مطالعه ساختاری: ساختار قالی متشکل از چیدمان پیکره‌های انسانی (شمایل‌ها) بوده که در پلان‌های مختلف به صورت ترکیب حلزونی قرار گرفته‌اند. نحوه قرارگیری پیکره‌ها به عنوان عناصر اصلی ترکیب‌بندی متن موجب ایجاد فضایی متوازن شده است. تلفیق نقش مایه‌های سنتی با عناصر تصویری (ویژگی بارز هنرهای قاجاری) در این ترکیب‌بندی به کار رفته است؛ به نحوی که تصویر حضرت عیسی در مرکز تصویر در چارچوب محراب‌گونه در متن اصلی به نمایش درآمده است، که نشان از ایجاد فضایی دینی و معنوی در تصویر دارد. وجود ترکیب‌بندی چند پلانی و نحوه قرارگیری پیکره در سطوح مختلف و رنگ‌گذاری و چینش رنگی سنجیده موجب گردیده، دید بیننده در تمامی بخش‌های قالی به گردش درآید. متن پرکار و شلوغ قالی که از مملو از پیکره‌های انسانی در حالت‌های مختلف بوده، با استفاده از قاب‌های هندسی (هشت ضلعی) کتابت شده در حاشیه بزرگ محصور گردیده‌اند.



تصویر ۴- گلیم تصویری: بافت کردستان، حضرت عیسی، قاجار، ۱۲۰ سال قدمت، چله نخ و پود، پشم منحصر به فرد، اندازه ۲۰۹*۱۹۷، ۱۳۹۸، آرشیو اختصاصی موزه فرش (URL1).

قالی شماره ۵

مطالعه محتوایی: در این نمونه از قالی تصویری، مضمون اصلی حضرت عیسی (ع) و یارانشان بوده که به واسطه کاربرد عناصر تصویری و نمادین روایت شده است. عنصر مرکزی این قالی، پیکره (شمایل) حضرت عیسی (ع) با رنگ‌بندی متفاوت با سایر پیکره‌ها و در مرکز تصویر دیده می‌شود. حضرت عیسی در قسمت بالای ترکیب‌بندی و در مقابل ساختمانی محراب‌گونه قرار گرفته است. به دلیل جایگاه ویژه آن حضرت، ارتباط معنایی بین مفهوم نمادین و دینی محراب با مقام معنوی ایشان تناسب و هماهنگی معنایی در تصویر دیده می‌شود. از آن جمله نقش مایه محراب از دیدگاه عرفانی نماد مبارزه با نفس جهت رسیدن به بهشت ابدی و ازلی می‌باشد، که در قالی‌های محرابی کاربرد محراب به عنوان دروازه بهشت ازلی تداعی‌کننده این مفهوم است. این قالی همانند تابلویی روایی بوده که مکانی مقدس را با چینش پیکره‌های که در نهایت به شمایل حضرت عیسی (ع) در قسمت مرکزی تصویر می‌رسد، نشان می‌دهد.



تصویر ۵- قالی تصویری: بافت کرمان، یک جفت، اواخر دوره قاجار، قرن ۱۴ ه. ق.، اندازه: ۲۰۲*۱۶۵، گره نامتقارن، جنس: تار و پود، نخ پرز پشم، ۱۳۹۸، آرشیو اختصاصی موزه فرش (URL1).

نتیجه‌گیری

با مطالعه گفتمان‌ها به وجوه متفاوت فرهنگی، سیاسی و هنری ادوار مختلف تاریخی، هنری می‌توان دست یافت. مطالعه پیرامون گفتمان قالی ایرانی با شناخت و بررسی نمونه‌های موجود در موزه‌های ایران و جهان محقق می‌گردد. در این پژوهش، با معرفی و مطالعه نمونه‌هایی از قالی‌های تصویری دینی موجود در موزه فرش ایران تحلیلی از گفتمان قالی ایرانی با موضوعات دینی انجام یافته است؛ چرا که یکی از روش‌های شناخت گفتمان قالی ایرانی، مطالعه و تمرکز بر روی قالی ادوار مختلف از جمله دوران قاجاریه و شناخت شرایط اجتماعی و اعتقادی آن دوران و هم‌چنین، مطالعه تنوع موضوعات هنری است. در این پژوهش، قالی‌های تصویری به دو صورت محتوایی و ساختاری مورد مطالعه قرار گرفته‌اند؛ چرا که ویژگی‌های قالی‌های تصویری دوران قاجاریه هم‌چون سایر هنرهای دینی و تعلیمی، پرداختن به دو بُعد محتوایی و ساختاری (زیبایی‌شناختی) به‌طور هم‌زمان است.






از جمله مولفه‌های هنرهای قاجاری به‌ویژه قالی، ویژگی تصویری آن‌ها است. تصویر ابزار هنری بوده که در این دوران به همراه عناصر و نقش مایه‌های سنتی و یا به صورت انفرادی نمود یافته است. قالی‌های تصویری به‌عنوان یکی از گفتمان‌های هنری دوران قاجاریه به تصویرسازی شرایط اجتماعی و اندیشه‌های عرفانی، دینی و هنری آن دوران پرداخته‌اند. این قالی‌ها به کمک تصویر، مضامین و موضوعات مختلف تعلیمی را روایت می‌کنند. در این دوران به دلیل مردمی بودن هنرها انتقال سلايق و دیدگاه‌های مردمی جامعه قاجاری به کمک هنرهای مردمی چون قالی رواج می‌یابد. از میان موضوعات رایج هنری این دوران، موضوعات دینی در قالی‌های تصویری اهمیت به‌سزایی دارد.

از جمله علل تاثیرگذار بر تصویری شدن قالی‌های دوران قاجاریه تاثیرات تکثیر مکانیکی تصویر به واسطه رواج ابزار جدیدی چون چاپ‌سنگی و عکاسی بوده، به عبارتی، رویکرد هنرها به تصویری شدن در دوران قاجاریه افزایش یافته است. هدف از رواج قالی‌های تصویری کارکرد روایی-تعلیمی آن‌ها بوده که به کمک تصویر انتقال و تعلیم مفاهیم برگرفته از

شرایط و باورهای دینی و... انجام یافته است. این قالی‌ها با زبان تصویری و نمادین به بیان تعالیم دینی مورد پسند جامعه قاجاری پرداخته، چرا که زبان هنر تصویری همه فهم‌تر و مورد قبول اکثریت مردم بوده که در این راستا از مبانی و اصول زیبایی‌شناختی و نمادهایی بهره برده‌اند. در قالی‌های تصویری به اهمیت مفاهیمی چون روایت تصویری و تعلیمی به‌عنوان گفتمان غالب قالی‌های دوران قاجاریه تاکید شده است. در نمونه‌های مورد مطالعه جنبه تعلیمی قالی‌های تصویری با کاربرد متنوع عناصری چون کتابت اسامی متبرک امامان و هم‌چنین، استفاده از نقش مایه‌های نمادینی چون طرح محرابی با عناصر قندیل به‌عنوان نور ازلی و محراب به‌عنوان مکان مقدس (انبیای الهی) و هم‌چنین، استفاده از پیکره‌های انسانی (شمایل‌های مقدس انبیا و اولیای الهی) را که نمودی از مضامین و داستان‌های قرآنی بوده‌اند می‌توان دید.

در ساختار زیبایی‌شناختی قالی‌های تصویری دینی موزه فرش با استفاده از تصویر تنوع روایت و داستان‌های مختلف قرآنی مانند داستان‌های حضرت عیسی (ع) و حضرت ابراهیم (ع) و اسامی متبرک پنج تن آل عبا و... نشان داده شده است. در این میان استفاده از عناصر نمادین جهت بیان مفاهیم حایز اهمیت بوده است. از جمله ویژگی‌های این تصاویر کاربرد متنوع موضوعات و مضامین دینی به همراه کاربرد هم‌زمان عناصر زیبایی‌شناختی سنتی چون طرح‌های سنتی محرابی، نقش مایه‌های سنتی و طرح‌های تصویری و طبیعت‌گرا بوده است. در ساختار نقش مایه‌های این قالی‌ها تاثیر سایر هنرها چون نقاشی قهوه‌خانه‌ای (نوع پیکره‌ها و رنگ‌گذاری) مشهود است. به‌نحوی که ویژگی‌های نقاشی قهوه‌خانه‌ای را از سویی، در روایت‌گری و وابستگی آن به حوزه موضوعات ادبی و دینی مورد اقبال جامعه قاجاری و از سویی دیگر، در صراحت، سادگی و عناصر قراردادی و... می‌توان دید. تحول از ساختار سنتی قالی به سمت تصویری شدن و استفاده از ترکیب‌بندی مرکزی و قراردادن موضوع اصلی در مرکز تصویر و ترکیب عناصر سنتی قالی ایرانی چون اسلیمی و ختایی به همراه عناصر و نقش مایه‌های طبیعی و تصویری و کارکرد نمادین نقش مایه‌ها در نمونه‌های مورد مطالعه دیده می‌شود.

جدول ۱. جدول قالی‌های تصویری (نگارندگان).

محل بافت	زمان	ابعاد	موضوع	قالی تصویری
بافت تبریز جنس: تار و پود: نخ، پرز: پشم رج‌شمار: ۵۰ گره متقارن	اواسط قرن ۱۴ ه.ق. اندازه: ۶۷*۵۳ آرشیو موزه فرش	متن تلفیق تصویر به همراه خط نوشته حاشیه بزرگ به صورت گره هندسی و حاشیه کوچک	نام پنج تن	
بافت کاشان گره نامتقارن تار و پود: نخ پرز: پشم، رج‌شمار: ۵۰ رج دو بود کتیبه‌دار	قرن ۱۴ ه.ق. آرشیو موزه فرش	طرح سراسری تصویری حاشیه بزرگ تصویری به همراه حاشیه کوچک	قضاوت حضرت سلیمان	
بافت کاشان، گره نامتقارن رج‌شمار: ۵۰، تار و پود: نخ پنبه، پرز: پشم	اوایل قرن ۱۴ ه.ق. اندازه ۳۶*۳۸ آرشیو موزه فرش	متن تصویری با استفاده از پرسیکتیو مقامی حاشیه به صورت کتیبه	حضرت ابراهیم و ذبح حضرت اسماعیل	
گلیم بافت کردستان چله نخ و پود پشم منحصر به فرد	قاجار، ۱۲۰ سال قدمت اندازه ۱۹۷*۲ آرشیو موزه فرش	محرابی با ستون، گلدان و حاشیه بزرگ و کوچک ترکیب تصویر با عناصر انتزاعی و ختایی	حضرت عیسی	
بافت کرمان یک جفت گره نامتقارن جنس: تار و پود، نخ، پرز پشم	اواخر دوره قاجار: قرن ۱۴ ه.ق. اندازه: ۱۶*۲۰۲ آرشیو موزه فرش	طرح محرابی، متن تصویری ترکیب بندی با عناصر انسانی متن و حاشیه بزرگ قاب بندی شده و حاشیه کوچک	حضرت عیسی	

References

- Afroogh, M., Barati, B. (2013). "Elements and Symbols of Islamic Identity in Iranian Carpet", *National Studies Quarterly*, 14.(1), 121-142. (Text in Persian).
- Chitsazyan, A., Ayatollahi, H. (2005). "Naturalism and Aesthetics of Iranian Carpets", *Quarterly Scientific- Research Goljaam*, 16-31. (Text in Persian).
- Hajizadeh, M., Khajeh Ahmed Attari, A., Aziminejad, M. (2016). "comparative study of designs and motifs in Safavid and Qajar period carpets", *Great Khorasan Research Journal*, 25, 51-71. (Text in Persian).
- Keshavarz Afshar, M., Samanian, S. (2007) "Iconological manifestation of Mary and Jesus carpet", *Quarterly Scientific- Research Goljaam*, 8, 91-106. (Text in Persian).
- Keshavarz Afshar, M. (2015). "Mechanical reproduction of artwork in the Qajar era and its impact on Iranian carpets", *Quarterly Scientific- Research Goljaam*, 27, 5-26. (Text in Persian).
- Khvajeh Ahmad Attari, A., Ashuri, M., Arbabi, B., Keshavarz Afshar, M. (2015) "Garden discourse in the Safavid carpet", *Quarterly Scientific- Research Goljaam*, 28, 5-21. (Text in Persian).
- Lari, M. (2011). "The Images of Angels in Iranian Art A Interaction in a Comparative Study", *International Journal of Social Sciences and Humanities*, (3rd ed), Number 1, 247-257.
- Moridi, M., Taghizadegan, M. (2012). "National Art Discourses in Iran", *Journal of cultural Studie communication*, 29, 139-160. (Text in Persian).
- Memarzadeh, M. (2007). *Imagination and visualization of mysticism in Islamic arts*, Alzahra University Publications. (Text in Persian).
- Naghizadeh, M. (2005). *The Basics of Religious Art in Islamic Culture, Basics and Intellectual System*, (1nd ed), Daftar Nashr. (Text in Persian).
- Reshadi, H., Marasi, M. (2011). "examining the position of Hashieh in pictorial carpets of the Qajar period", *Quarterly Scientific- Research Goljaam*, 20, 57-71. (Text in Persian).
- Scarchia, G. (2011). *History of Iranian art, Safavid, Zand, Qajar art*, translation: Yaghoub Azhand, Mola Publications. (Text in Persian).
- Shayestehfar, M., Sabbaghpour, T. (2011). "Review of pictorial carpets of the Qajar period" (available in the Carpet Museum of Iran), *Bagh-e Nazar*, 8(18), 63-74. (Text in Persian).

- اسکارچیا، جیان روبرتو (۱۳۹۰). *تاریخ هنر ایران، هنر صفوی، زند، قاجار*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- افروغ، محمد و براتی، بهاره (۱۳۹۲). عناصر و نمادها هویت اسلامی در قالی ایرانی، *مطالعات ملی*، سال چهاردهم، شماره ۱، ۱۲۱-۱۴۲.
- چیت‌سازیان، امیرحسین و آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۴). *طبیعت‌گرایی و زیبایی‌شناسی فرش ایران*، گلجام، دوره ۱، شماره ۱، ۱۶-۳۱.
- حاجی‌زاده، محمدامین؛ خواجه‌احمد عطاری، علیرضا و عظیمی‌نژاد، مریم (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی طرح و نقش در فرش‌های محرابی دوره صفوی و قاجار، *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، شماره ۲۵، ۵۱-۷۱.
- خواجه‌احمد عطاری، علیرضا؛ آشوری، محمدتقی؛ اربابی، بیژن و کشاورز افشار، مهدی (۱۳۹۴). گفتمان باغ در فرش صفوی، *گلجام*، شماره ۲۸، ۵-۲۱.
- رشادی، حجت‌الله و مراثی، محسن (۱۳۹۰). بررسی جایگاه حاشیه در فرش‌های تصویری دوره قاجار، *گلجام*، شماره ۲۰، ۵۷-۷۱.
- شایسته‌فر، مهناز و صباغ‌پور، طیبه (۱۳۹۰). بررسی قالی‌های تصویری دوره قاجار (موجود در موزه فرش ایران)، *باغ نظر*، سال هشتم، شماره ۱۸، ۶۳-۷۴.
- کشاورز افشار، مهدی و سامانیان، صمد (۱۳۸۶). تجلی شمایل‌شناسانه قالیچه تصویری حضرت مریم (ص) و حضرت مسیح (ع)، *گلجام*، شماره ۸، ۹۱-۱۰۶.
- کشاورز افشار، مهدی (۱۳۹۴). تکثیر مکانیکی اثر هنری در عصر قاجار و تاثیر آن بر فرش ایران، *گلجام*، شماره ۲۷، ۵-۲۶.
- کلانتری، صمد؛ عباس‌زاده، محمد؛ سعادت‌ی، موسی؛ پور محمد، رعنا و محمدپور، نیر (۱۳۸۸). تحلیل گفتمان: با تاکید برگفتمان انتقادی به‌عنوان روش تحقیق کیفی، *مطالعات جامعه‌شناسی*، دوره ۱، شماره ۴، ۲۸-۷۰.
- مریدی، محمدرضا و تقی‌زادگان، معصومه (۱۳۹۱). گفتمان‌های هنر ملی در ایران، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۲۹، ۱۳۹-۱۶۰.
- معمارزاده، محمد (۱۳۸۶). *تصور و تجسم عرفان در هنرهای اسلامی*، تهران: دانشگاه الزهرا.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۴). *مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی، مبانی و نظام فکری*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

URLs

URL1. <http://www.carpetmuseum.ir>.

A Study of the Religious Discourse of Qajars Pictorial Carpets in Carpet Museum of Iran ¹

Maryam Motafakker Azad²

Mehdi Mhammadzadeh³

Received: 2022-06-09

Accepted: 2022-11-15

Abstract

Problem Statement: The identity of the Iranian carpet has effectively impacted the discourse of Iranian-Islamic art and culture. This art demonstrates the discourse of cultural, artistic, and religious studies methods ruling the Iranian-Islamic art among the cultural and artistic bases. Through the discourse of each era, a relationship is established between Iranian carpets and social, cultural, and aesthetic studies. Therefore, this art has been an essential part of the cultural discourse inside Iranian-Islamic society. The discourse of religious pictorial carpets has developed among the numerous Qajar era carpet patterns to the social and religious circumstances of the period. These examples of carpets are a pictorial narrative of religious ideas that have been commonplace in the language of pictures to spread their teachings among the general public. Various abstract and figurative motifs and religious themes have been included in religious pictorial carpets design. Due to the lengthy history of these carpets inspired by this area's beliefs, they are among Iran's common cultural components and discourses, particularly in religious issues. Religious discourse is one of the primary influencing factors in the development of Iranian carpet art since religion has been significant as one of the fundamental touchstones from the earliest historical periods. Pictorial carpets were one of the popular discourse items in this era that arose with religious themes due to the socioeconomic conditions of the Qajar era and the expansion of diverse arts. Studying

1. DOI: 10.22051/JJH.2022.40647.1805

2-Assistant Professor, Faculty of Carpet, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran, Corresponding Author.

Email: m.motafakker@tabriziau.ac.ir

3- Professor, Faculty of Visual Arts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Email: m.mohammadzadeh@tabriziau.ac.ir

carpets with religious themes in Iranian museums will assist in comprehending the religious discourse of Iranian carpets. The Carpet Museum of Iran is a treasure of excellent Iranian carpets and contains significant specimens of Qajar pictorial carpets with various subjects, particularly religious ones. The study of Iranian pictorial carpets from the Qajar period is achievable with as many samples as possible. The emblems of Iranian carpets influenced the architecture of the Carpet Museum of Iran, and the museum's collection includes exemplary pieces of Iranian carpets. This collection, which is still regarded as a great source of research, has the most priceless pieces of Iranian carpets from the 10th century A.H. to present. This research has examined these carpets' content and structural characteristics and the prevailing discourse on Qajar pictorial carpets by selecting priceless samples from the Iranian Carpet Museum. This research aims to study the religious discourse and to know the elements and artistic, visual components and concepts related to them in religious pictorial carpets in Qajar Museum.

Research Question: What visual elements and components influence the pictorial carpets of the religious discourse of the Qajar period?

Research Method: The present article has studied and introduced pictorial carpets in the Carpet Museum of Iran with religious subjects in a descriptive-analytical way and a library and documentation method. It has examined the concept of the religious discourse of Iranian carpets. Five of the several valuable pieces in this museum were analyzed based on the image quality and the range of materials used. The description of one of the most influential discourses ruling the Qajar era and the identification of religious pictorial carpets have been explored via the library method and the examination of available documents. This research examines the religious pictorial carpets concisely, thoroughly, and comprehensively. This research, like previous studies, analyzes and identifies pictorial carpets and addresses the subject of discourse in traditional arts. By analyzing the content and structure of pictorial carpets, the topics of Iranian carpets originating from the religious discourse of Iranian culture have been identified in the field of idea innovation. These carpets represent the structural development of carpets during the Qajar dynasty, whose study as a topic of cultural and aesthetic discourse will impact the development of contemporary carpets. This research is significant due to the subject's breadth and the expert analysis of Iranian pictorial carpet samples.

Research Results: Discourses are methods of cultural and artistic studies that have been influential in sociological, cultural, and artistic discussions within societies. Understanding them makes it possible to obtain various cultural, political, and artistic aspects in different historical and artistic periods. The discourse of Iranian carpets and the study of the variables influencing it are achievable by recognizing and evaluating existing examples, accomplished by knowing the types of Iranian carpet in museums across the globe. Studying and concentrating on carpets from various ages, including the Qajar era, learning about the social and religious circumstances of that time, and studying a range of creative issues are some strategies to comprehend Iranian carpet discourse. Examining the subject matter and aesthetic structure of religious pictorial rugs opens doors to a deeper understanding about them and their recurring motifs. Due to the social characteristics of the Qajar period and the diversity of arts and their common themes in that era, it has been essential to simultaneously address the two aspects of content and aesthetic structure in the pictorial carpets of the Qajar period, as in other religious and educational arts.

The pictorial aspect of Qajar arts, particularly carpets, is significant in the development of the aesthetic discourse of this time. The image, as an artistic instrument, has emerged in this era, with the elements and functions of conventional themes or independently.

As one of the creative discourses of the Qajar era, pictorial carpets were utilized to depict the socioeconomic situations and spiritual, religious, and aesthetic concepts of the time. These carpets use imagery to illustrate a variety of religious and spiritual teachings. Due to the widespread of the arts in that time period, it was common to use folk arts like carpets to convey the tastes and viewpoints of the Qajar community. In pictorial carpets, religious themes are prominent among the prevalent artistic motifs of this era.

The societal factors collective of the Qajar period influenced the development of the numerous carpet styles of this period. The ability to reproduce an image mechanically was made possible, and the approach of the arts to visualization expanded with the advent and broad use of arts like lithography and photography. The narrative-educational role of pictorial carpets, accomplished with images to impart and educate ideas drawn from religious situations and beliefs, was the reason for their dissemination. Because the language of visual art is more generally understood and accepted, these rugs employ a visual and symbolic language to communicate the Qajar community's preferred religious teachings. The significance of concepts such as visual narrative and instruction as the dominating discourse of Qajar-era carpets has been stressed in pictorial carpets. In the studied examples, the educational aspect of pictorial carpets is evident through the use of elements such as the names of Imams and the role of symbolic elements such as the Mehrabi design with elements of Qandil (luxury chandelier) as eternal light and Mehrab (altar) as the holy place of the Prophets and figures (images of the Prophets and Imams) that are expressions of Quranic stories. Religion is represented in the pictorial carpets of the Carpet Museum of Iran through the employment of imagery and symbolic components, which depict a variety of Quranic stories. One of the characteristics of these images is the simultaneous use of traditional aesthetic components, such as classic Mehrabi designs, the function of traditional motifs, and pictorial and nature-oriented designs, with various religious subjects and themes. The motifs of these carpets reflect the influence of different forms of art, such as coffee house school painting (figures and colors, narrative, design, and simplicity). With the combination of traditional Iranian carpet features such as Eslimi and Khataei and the role of pictorial elements in the analyzed samples, one can observe the transition from the traditional structure of the carpet to visual representation.

Keywords: Religious Discourse, Pictorial Carpets, Educational, Qajar dynasty, Carpet Museum of Iran.